

اتاق آبی

ساختار زبانی دست‌نوشته‌های سهراب سپهری

آبی، به کوشش پروانه سپهری

امادست‌نوشته‌های سپهری در کتاب «هنوز در سفرم»: «بخشی پاک‌نویس شده، مثل بیوگرافی خودش؛ بخش دیگر از میان خاطرات سفرها و نیز نامه‌های دوستانه [و یادداشت‌های روزانه‌اش] انتخاب شده است.» (هنوز در سفرم، به کوشش پروانه سپهری) اینک به بیان نکاتی درباره‌ی این دست‌نوشته‌ها می‌پردازیم:

۱) نثر سپهری در کتاب «هنوز در سفرم» روند خاصی ندارد و نمی‌توان گفت که یک دست و یکاروست. در هر یک از سفرنامه‌ها، خاطرات و یادداشت‌های روزانه ممکن است نگارشی با تمام اشکال تشریحی، تحلیلی یا تحقیقی و با نثری ساده یا توصیفی دیده شود که با بهره‌گیری از گونه‌های زبانی علمی، ادبی یا محاوره به قلم درآمده است؛ در کنار بیان جذبی آن، طنز را هم می‌شود مشاهده کرد. البته به دور از هر هزل و هجوی- که گاه گاهی زبان را نیز به لطف بذله و شوخی در می‌آمیزد. به اعتبار موارد یاد شده بهتر است به نثر این کتاب نثرآمیزه‌ای بگوییم اگرچه غلبه با گونه‌ی زبانی محاوره است.

در میان انواع گونه‌های زبانی و بیانی که سپهری به کار می‌برد، نوعی نوشته در لابه‌لای نوشته‌های هر دو کتاب، نظر را به خود جلب می‌کند. این اندک جمله‌ها را به اعتبار زبان شاعرانه و اندیشه‌های خاص او می‌توان «سبک خاص» سهراب لقب داد. مثل: انگار لباس ما رقیق می‌شد و در صدا شسته می‌شدیم، ص ۳۰، در این تنهایی اندیشه‌هایم را در خود

چکیده

نثر سپهری تأثیرات عصر جدید را پذیرفته - هم از نظر واژگان و هم از نظر فکر و بیان - و از لغات و واژگان دخیل غربی و اروپایی بی‌بسیب نمانده است و اصلاً سعی بر آن نداشته تا اصالت خود را حفظ کند و تعصبی هم در این زمینه ندارد. نثر سپهری یک دست‌نویس است و این را شاید بتوان نشانی از هتجاز شکنی او دانست. گویا نخواسته است خود را در یک چهارچوبه مقید کند؛ هم تحقیقی می‌نویسد، هم توصیفی و هم تحلیلی. هم زبان رسمی و معیار دارد هم گونه‌ی کلاسیک و محاوره‌ای و عامیانه؛ به همین جهت انواع زبان و بیان و گونه‌گون آرایه‌هایی را که هم خاص نظم‌اند و هم خاص نثر، در نوشته‌های او به وفور می‌توان یافت و این همان چیزی است که می‌تواند سبکی خاص برای دوره‌ی کوتاه و گفرا در ادبیات امروزین باشد و شاید بهترین وسیله برای نهفته‌های دل و اندیشه‌ی سپهری، را بدون چهارچوبه‌ای خاص.

آن چه می‌خوانیم به ما کمک می‌کند تا «درس معلم» در کتاب ادبیات فارسی سال اول دبیرستان را بهتر تدریس کنیم.

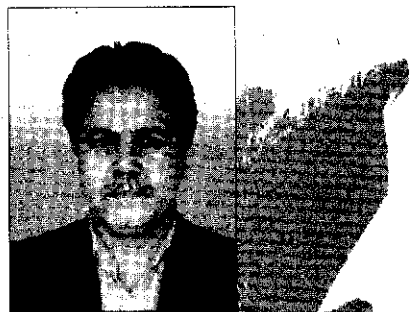
کلید واژه‌ها

اتاق آبی، سپهری، نثر سپهری، ساختار زبانی

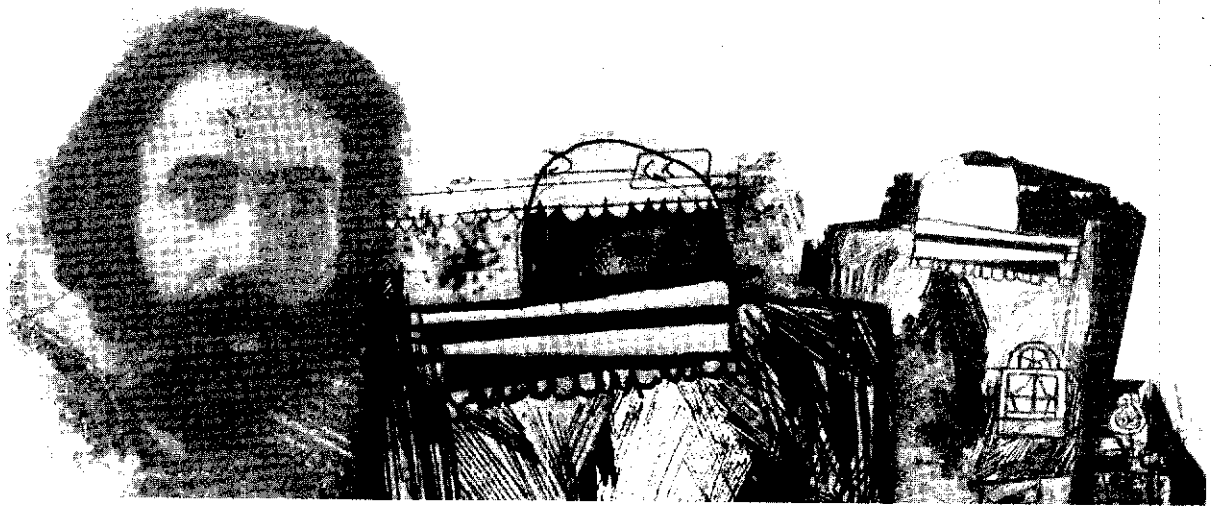
عباس رحیم‌بختیاری - اصفهان

دانشجوی فوق لیسانس ادبیات فارسی

(از پیام نور اصفهان)



دست‌نوشته‌های سپهری در دو کتاب «اتاق آبی» و «هنوز در سفرم» جمع آمده‌اند. کتاب اول از سه بخش تشکیل شده است: «بخش نخست سرگذشت نیمه‌تمام یا حسب حال سپهری است. بخش دوم (گفت‌وگو با استاد)، دیدگاه‌های سپهری است درباره‌ی مکتب‌های مختلف نقاشی و... و بخش سوم (معلم نقاشی ما) اشاره‌هایی درباره‌ی نارسایی‌ها و کاستی‌های نظام آموزشی... این سه دست‌نوشته از لحاظ سبک نگارش و نثر، در مواردی، ناهمگون به نظر می‌رسند و این شاید به آن علت باشد که سپهری فرصت نیافته است تا این سه بخش را از لحاظ شکل و محتوا در یک کار کلی، یک دست سازد.» (اتاق



می پراکنم، ص ۸۵ «هنوز در سفرم» پرسپکتیو جان مشتاقان بسوخت، ص ۱۰۳ - مدیر... وقتی می آمد صدا می مرد، ص ۵۴ «اتاق آبی» به نظر می رسد مخاطب دست نوشته های سپهری در هر دو اثر، حتی با ذکر نام گیرنده مثل نامه ها یا گفت و گو با استاد، شخص خاصی نیست و سپهری این آثار را به عمد نوشته تا از خویش نثری نیز به یادگار گذاشته باشد. (۲) اما اثر اتاق آبی ویژگی های خاص خود را دارد:

الف - سبک نویسندگی سپهری در بخش «معلم نقاشی ما» عمدتاً تحلیلی و توصیفی است، همراه با نثر شاعرانه؛ یعنی همان نثری که با آن «کلاس نقاشی» را توصیف می کند. ب - در بخش گفت و گو با استاد، تصویرسازی بسیار جاندار است؛ به گونه ای که یک دوره ی آموزش نقاشی و بیان نقاشی تطبیقی ایران و جهان است.

ج - «گفت و گو با استاد»، در واقع نوعی مناظره است. نثر این بخش آمیزه ای است از ساده، معیار و شاعرانه که گرایش به سبک سنتی و دیرین دارد.

د - بخش های «اتاق آبی و گفت و گو با استاد» از کتاب اتاق آبی، هر کدام یک مقاله ی تحلیلی اند و بخش «معلم نقاشی ما» مقاله ای است با نثر توصیفی و تحلیلی که به قصد نقد وضعیت و نارسایی های آموزشی در جامعه ی زمان خود او نوشته شده است.

ه - نثر شعرگونه ی سپهری در توصیف کلاس نقاشی، سبکی است که سپهری در جای جای کتاب «اتاق آبی» از آن بهره برده

است. (صص ۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۶-۵۸-۱۰۰-۱۰۷-۱۰۸ و...) و جالب این که همان تجربه ی معلم نقاشی را در مورد نقاشی خود با همان لطافت نثر تکرار می کند. ص ۴۲ «هنوز در سفرم»

و - در بخش گفت و گو با استاد هر چه جلوتر می رویم از سبک ساده فاصله می گیریم تا آن جا که زبان استاد و شاگرد هر دو سنتی می شود و برعکس در ابتدای این بخش، تمایزی میان کلام هیچ کدام نیست. (صص ۱۱۳ تا ۱۲۱)

در ادامه، به بیان ویژگی های خاص نثر آثار یاد شده می پردازیم و از آن جایی که این ویژگی ها تقریباً در هر دو اثر مشترک اند و بسامد بالایی دارند، به جهت اختصار، نمونه ها از هر دو اثر، توأمآ یا جداگانه انتخاب شده است.

- حذف فعل به قرینه ی لفظی، که از بسامد بالایی برخوردار است: «در قم زیاد نمونده ایم. به گلیایگان و خوانسار رفته ایم. بعد به سرزمین پدری» هنوز در سفرم ص ۱۴ و در بسیاری از جمله های که قبلاً به عنوان نمونه ذکر شده است.

- عبارت عامیانه: «چه قدر پرنده و چه قدر صدا - انگار لباس ما رقیق می شد.» ص ۳۲ هنوز در سفرم، «کاش چوب معلم عیوب بی شمار مرا سرکوفته بود» اتاق آبی ص ۵۰

- تکرار فعل «بود» «ته باغ ما یک سر طولیه بود. یک اتاق بود. آبی بود. اسمش اتاق آبی بود...» اتاق آبی ص ۱۵ و صفحه های (۲۲-۲۶-۳۳-۴۶-۵۷). - «در تماشا تاب شکل دادن نبود.

تنهایی من عاشقانه بود. نقاشی عبادت من بود. من شوریده بودم و شوریدگی تکنیک نداشت» ص ۱۸ هنوز در سفرم

- آوردن جمله های کوتاه «... تو از آب بهتری، تو از ابر بهتری. تو به سپیده دم خواهی رسید. مبادا بلغزی. من دوست توام. روان باش» هنوز در سفرم ص ۱۰۰

- حس آمیزی: «کودکی رنگین، اتفاقات طلایی، شنوایی رنگین، تذکر گرم، دریای دیبوسی را می شنوم، با هم پنجره ها را شنیده ایم» هنوز در سفرم

- تضاد (مفهومی): «سگی سیاه آمد و پیرزنی سپید مو». «... اتاق خودم، چند آسمان خراش. یکی از تابلوهای خودم، بنای UN. دو خط از نوشته های خودم، دو خرس از باغ وحش. شعور خودم، مقداری هیپی و یک سالن مد» هنوز در سفرم صص ۷۰-۷۷ «نگاه خاکی را به بالا می کشاند» ص ۵۷ اتاق آبی

- نثر محاوره ای: «... هم مدیر مدرسه بودم و هم روضه خوان شهر. مرا صدا زد. اسم من دلهره در من ریخت. ترسان و پریشان رفتم پیش مدیر. با دو دست مرا گرفت. از زمین کند و بالای سر برد...» اتاق آبی ص ۲۴

- نثر شاعرانه: «حیاط مدرسه ی ما بزرگ بود. در میان آب نما داشت. در گوشه ها چهارباغچه. در باغچه ها درخت. اگر مدرسه نبود بدون شک زیبا بود هر چه بود زشت و ناپاک و بدبو نبود» اتاق آبی ص ۵۴

- اصطلاحات عامیانه: «در دانش نقاشی پیاده بود» ص ۶۴ - «که دبیر از جا در رفت» ص ۶۲ -





هنوز در سفرم

- استفاده از واژه‌های بیگانه

و تاریخ میلادی: «سال ۱۹۴۵ بود،

فراغت در کف بود، بارنگ پرسبکتیو آشنا

شدم» ص ۱۷، «می‌خواهم از آن آرکستراسیون

متبلور تابلیوی بسازم و اسمش را بگذارم:

Hommage a Messiaen» ص ۳۰، هنوز در

سفرم

- نگاه تازه (آشنای زدایی): «بهاگاوادا، گیتا

رانسرود. خودش در واژه‌ها و آهنگ‌هایی

نشست و شاعرانی را بیدار کرد و از لب و

قلمشان بیرون زد. پدیدن، خود به خود

هست... پرند بیهانی پرواز است...» هنوز در

سفرم ۴۴

- تشخیص: «این درد مضحک سرانجام از رو

رفت» ص ۷۵، «رودخانه بی‌کرانی را زمزمه

می‌کرد» ص ۵۵، هنوز در سفرم

- باورهای عامیانه: «... میان مار و باروری پیوند

است. ص ۲۱، می‌گفتند فیروزه سوی چشم

ما را زیاد می‌کند. جلوگیری چشم بد است.

نازایی را از میان می‌برد» ص ۳۳، اتاق آبی

- تشبیه: «تکلیف مدرسه‌ی من مرتب بود. مثل

طاقچه‌ای که در اتاق پنجدری خانه داشتم. ص

۴۷، کتاب درسی فارسی یک مرقع بی‌قواره

بود.» ص ۵۱، اتاق آبی - «اگر یاران مثل

درخت بید خانه‌ی ما کم‌حرف بودند، هر روز

به دیدنشان می‌رفتم» ص ۹۵ هنوز در سفرم

- توصیف‌گری و تصویرسازی: «واژه‌ها

بالاتر، باری به دوش خط بود، کتابت کاری

«گرته‌ی آرزویی ریخته می‌شد» ص ۵۶ - هنوز

در سفرم

- حذف اجزای جمله: «صورت‌گرایی منطقی

عنایت و شکوه و جلال القامی کند، چون

قرینه‌ساز» اتاق آبی، ص ۸۵

- کنایه: «دوات مرکب خشکید و قلم‌نی گرمی

بازارش شکست» ص ۵۴، اتاق آبی -

«سرانجام دستگیر مانشد...» ص ۸۱، هنوز در

سفرم

- ساده‌نویسی: «دوروز دیگر کار را شروع

می‌کنم. ولی خودم می‌دانم آن‌چه مرا از کار

باز می‌دارد، نداشتن روحیه‌ی خوب است.

گاهی دلتنگی مرا می‌گیرد نه برای ایران.

یک‌جور دلوپاسی که هرگونه تلاشی را بی‌ثمر

جلوه می‌دهد.» هنوز در سفرم ص ۷۰

- لایتین‌نگاری: «مردم ژاپن سخت خوب و

Genil اند» ص ۸۰ - «و در خستگی Challenge

من از دست می‌رود»، ص ۶۷، هنوز در سفرم

- استفاده از آرایه‌ی عکس: «در شهر من شاعران

نقاش و نقاشان شاعر بسیار بوده‌اند.» ص ۱۶،

من به مهمانی جهان آمده‌ام و جهان به مهمانی

من» ص ۱۰۱، هنوز در سفرم

- استفاده از ضرب‌المثل: «چوب را باید خورد

و روشن شد. «چور استاد» را باید کشید...

«طفل گریزبا» بیهوده معلم را به خداوندان هنر

قسم می‌دهد» ص ۴۸، اتاق آبی «در قدیم دود

چراغ می‌خورده‌اند و استخوان خرد

می‌کرده‌اند» ص ۱۰۴، هنوز در سفرم

- تصویرسازی: «پلدر در چهره‌گشایی دستی

داشت... آدمش همیشه زرمند بود. رستمش

پیروز ازی بود و سهرابش شکسته‌ی جاودان»

اتاق آبی، ص ۵۸

- واج‌آرایی و جناس: «تنها سود درس شیمی

ما سود سوزان بود» ص ۵۹، بی‌عقلی را

وامی دارد تا بر عقل بشورد و بی‌نظمی را به نظم»

ص ۸۸، اتاق آبی

- پارادوکس: «اسودنورانی» «مکان، ناکجاآباد

است» ص ۹۶، اتاق آبی «دوران خردسالی من

در محاصره‌ی ترس و شیفتگی بود» ص ۱۴

بود میان کارها. سرگرمی نبود. خط در متن

زندگی نشسته بود. خود جای خود پر می‌کرد.

به سر در خانه جلا می‌داد. رونق هویت

می‌شد. «اتاق آبی، ص ۵۶

- ترکیب‌سازی: «کاهگل خواهشناک، صدای

زرد، مونس طاعت، وقاحت رنگین، خام

دستی، غسل حیرت، هندسه‌ی شیرین،

بندی‌بی‌قرین، نایگانه، لحظه‌ی شورانداز،

بیشترینه، اسودنورانی، نیانگاری، راستینه‌تر،

رخساره‌ساز، رخ‌ساز و...» اتاق آبی

- جابه‌جایی موصوف و صفت: «آبی آسمان»

اتاق آبی، ص ۲۸ - «نگاهم به باران سبز بیدهای

مجنون بود» هنوز در سفرم، ص ۵۶

- واژه‌های عامیانه: «قایم (به معنی پنهان)،

سوی چشم، سراپا، می‌فایند، به‌دل (از ته

دل)، پاییده» اتاق آبی

- نازک‌خیالی: «ملافه‌ی تمیز، خواب مرادچار

وسواس می‌کند. ص ۲۴، بهار آبادان لرزش

برگی هم می‌تواند برگریه‌ی من پرده فرو کشد»

ص ۷۰، هنوز در سفرم

- مجاز: «باغچه‌ی محسن پراز بهار است. ص

۲۴، بهار آبادان به صورتم می‌خورد، ص ۲۵،

دریای دیوسی را می‌شنوم، ص ۴۲، هنوز در

سفرم

- عبارات‌های عامیانه: «میان نوشتن گاهی یک

می خورم، ص ۶۵، کار من دارد تکان می خورد، ص ۶۷، کارها رویه راه است. ص ۷۶، هنوز در سفرم

- جمله بندی به سبک کهن: «از شنوایی رنگین نشانه های فراوان توان یافت. ص ۳۲، و یا این که اندامی کار همه ای اندام ها کند. ص ۳۴، برای شناسایی وزن و آهنگ یک محیط، زمان باید» ص ۴۸، هنوز در سفرم

- استفاده از تمثیل برای بیان موضوع - هنوز در سفرم، صص ۳۵ و ۳۶

- حذف فعل به قرینه ی معنوی: «اشاره ای به نرفتن من و نشانی خانه در آن» ص ۴۹، هنوز در سفرم - «روانش شاد» ص ۵۷، اتاق آبی.

- چند جمله ی متوالی با حذف فعل: «بادی تند، و بی آرامی هرچه درخت. و درهمی موها، و تپش تن پوش ها» ص ۴۵، هنوز در سفرم

- (را)ی حرف اضافه به معنی برای: «هنر شرق را یک ویژگی است» ص ۸۳

- (به) اضافه به معنی بر: «سورئالیسم اعتراض بود به ضد عقل» ص ۸۶

- (را)ی فک اضافه: «درختان راریشه در جوی معنی است» ص ۹۶

- (به) به معنی در: «به عصر ایمان همه جا جلوه ی حق بود» ص ۱۰۳ - «اما در یک دوران، سایه روشن غربی به پرده هاست.» ص ۱۰۶، اتاق آبی و «به تماشا بمان» ص ۱۰۰، هنوز در سفرم.

- (یا)ی مصدری: «درختی درخت بیش از درخت میناتور ایرانی است.» ص ۱۰۴ اسب از پهلو، اسبی خود به کمال نشان می داد، ص ۶۵، اتاق آبی

- حذف رای مفعولی: «اسبی خود به کمال نشان می داد.» ص ۶۵، اتاق آبی

- جایی دو جمله به منظور تأکید: «و باز، به همان کتاب، پرده ای را قرینه پردازی به کمال می بود، اگر مرغی واژگونه نمی شد و گیاهی هنوز نالیده بود» اتاق آبی، ص ۸۲

- پیچیده نویسی و تعابیر فلسفی: «... در کار وی اصل آن نیست که پیداست، بلکه حضوری که

هست، و آن نهی که تخیل تماشاگر را فرا می خواند تا انباز آفرینش پرده شود» اتاق آبی، ص ۸۴

- آوردن صفت در آخر جمله به منظور تأکید: «اما استاد، چرا باید در پرده ی ما جایی باشد چشم گیر؟» اتاق آبی، ص ۹۰

- سجع: «صورتگر شما ظلمات را صورت می بندد. نقشبند ما نقش آب حیات می زند. این یک سر به منزل مقصود است، و آن یک در وادی طریق.» اتاق آبی، ص ۱۱۱

- شکسته نویسی: «از ایران بی خبرم از پی سال ها بی خبری» ص ۴۲ «من کاشی ام» ص ۱۴، هنوز در سفرم

- استفهام انکاری: «در کجای روی زمین استادی این کار می کند؟» ص ۴۹، چگونه می توان از این همه شفافیت گذشت؟» ص ۸۷، هنوز در سفرم

- تکرار به منظور تأکید: «قطار می باید ما را می برد و برد» ص ۵۶، به آن جایی که تماشاگر ساده و یک رویی بوده ام، برگردم و برمی گردم» ص ۸۵، هنوز در سفرم

- تضمین: «نه، بیا برویم از این ولایت من و تو.» هنوز در سفرم، ص ۹۱

- استعاره: «می خواهم کتاب هایم را به گوشه ای پرتاب کنم. کعبه ی نقاشان [پاریس] را پشت سر بگذارم» هنوز در سفرم، ص ۸۹

- مزاح گویی: ولی نباید زیاد خوش خیال بود. من خیلی ها را شناختم که از دست شعر به پلیس شکایت کرده اند»، ص ۷۴ «چه می شود کرد آدم های پول دار گاهی در ییلاق هستند گاهی در قشلاق»، ص ۷۱، هنوز در سفرم

- طنز و نگاه اجتماعی (که جایگاه خاص خود را می طلبد): «اگر برای تماشای سب درنگ کنیم، همکارها جایزه را خواهند برد. پس برویم دیگ زودپز احساس بخریم» هنوز در سفرم، ص ۱۰۴ - «منابع طبیعی ایران، در کتاب جغرافی بودنه در خاک ایران» ص ۵۱، اتاق آبی

- استفاده ی بسیار از شاهد مثال (در بخش

گفت و گو با استاد که نثر را تحقیقی و تحلیلی کرده است، در مورد قرینه سازی می نویسد): به اعداد بنگرید. اعداد زوج، تمام و آرام اند. اعداد طاق بی قرینه و نا آرام. صص ۷۷-۷۹، اتاق آبی

- صفت های متوالی (تنسیق الصفات): «در چهارچوب علایم نسب [رنگ] آبی دادگری بوده است و فروتنی و وفاداری و پاکدامنی و شادی و درستی و آوازه ی نیک و عشق و خوشبختی جاودان» اتاق آبی، ص ۳۶

- ابهام تناسب، جناس، طرد و عکس: در هندسه ی شیرین خانه ی زبور، عسل حیرت را چشیده ام» ص ۷۸، «همان روز، حسن (خوب) را (چوب) خوانده بود و چوب خوبی را از دست معلم خورده بود.» ص ۴۵، اتاق آبی

تشبیه ملفوف: کتاب فارسی یک مرقع بی قواره بود. در آن خرف کنار صدف بود: قاتی کنار مولوی» اتاق آبی، ص ۵۱

- و نیز به یادآورنده ی بیت مقابل با بیت های مشابه:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل
زین تباغین که خرف می شکند بازارش [حافظ]

- آمد، به معنی شد: «در طبیعت در کار (رنوار) نزدیک آمد.» ص ۹۷ چه سان به معنی چگونه: چه سان می توانم در بند شباهت باشم؟» ص ۱۰۴

- بسوخت به معنی سوزاند: «پرسپکتیو جان مشتاقان بسوخت» ص ۱۰۳، اتاق آبی

- نقص نگارشی و ضعف تألیف: «نقطه نظرهایی چند به کار است» ص ۱۱۱، دیوانه فوته به کمر بسته اند»، ص ۱۲۰، اتاق آبی



مناج و ماند

۱. سپهری، سهراب، اتاق آبی، به کوشش پروانه سپهری، مؤسسه ی انتشارات نگاه، تهران ۸۲
۲. سپهری، پریدخت، هنوز در سفرم، انتشارات فرزاد، تهران ۸۴